

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی  
سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴

## جامعه موعود صالحان، الگوی جامعه توسعه یافته

رضا مهدیان فر<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه برخی اندیشمندان دنیای غرب، بر این باورند که لیبرال - دموکراسی، همه شاخصه‌های پیشرفت را دارد و انتظار جامعه‌ای برتر از این، انتظاری بیهوده و ناگزیر باید دیر یا زود در برابر این مدل حکومتی کرنش کند. بر خلاف این تصور، قرآن کریم، جامعه‌ای را در پایان تاریخ نوید می‌دهد که در این نوشتار، از آن با نام «جامعه موعود صالحان» یاد می‌کنیم. جامعه مزبور، الگویی از جامعه پیشرفته است که شاخصه‌های پیشرفت را از نگاه آموزه‌های وحیانی داراست. ارائه الگویی از جامعه پیشرفته با معیارهای الهی، ترویج فرهنگ قرآنی و از جمله اهداف بنیادی پژوهش به شمار می‌رود و با توجه دادن اندیشمندان، پژوهش‌گران، سیاست‌گزاران و جامعه‌شناسان به معیارهایی متفاوت از معیارهای جامعه لیبرال، هدف کاربردی پژوهش را در پیش گرفته ایم.

ویژگی‌های جامعه موعود صالحان به اجمال در این گزینه‌ها خلاصه می‌شود: حاکمیت دینی؛ توحید و یکتاپرستی به معنای واقعی کلمه و به دور از هرگونه شرک و بت‌پرستی؛ جامعه‌ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق؛ تأمین همه نیازهای انسان؛ شایستگی زمامداران.

۱. استادیار دانشگاه علوم قرآن کریم و پژوهشگر دایرة المعارف قرآن کریم (rezamahtab52@yahoo.com).

بر پایه یافته‌های پژوهش، همه شاخصه‌های جامعه موعود در درازای تاریخ دست‌یافتنی است و به مقدار برخورداری جوامع از مؤلفه‌های این جامعه، از پیشرفت به معنای واقعی کلمه برخوردار خواهند بود. از این‌رو جامعه صالحان در پایان تاریخ، به این معنا نیست که پیش‌تر نتوان به آن شاخصه‌ها دست پیدا کرد. بر اساس آیات قرآن، شایستگی زمامداران و مدیران، از اساسی‌ترین گزینه‌هایی است که در شاخصه‌های یادشده نباید از آن غفلت کرد.

#### واژگان کلیدی

جامعه موعود، صالحان، توسعه، الگو، زمامداران.

#### مقدمه

بر پایه آیات قرآن، خدای سبحان آینده‌ای روشن و امیدبخش را به مؤمنان و مستضعفان بشارت داده است. برابر روایات اهل بیت علیهم‌السلام و تفسیر مفسران، آیات مزبور به پایان تاریخ نظر داشته و تشکیل جامعه‌ای ویژه به رهبری صالحان را نوید می‌دهند. در این نوشتار ویژگی‌ها و شاخصه‌های جامعه صالحان به روش توصیفی - استنباطی مورد پژوهش خواهد بود و از این رهگذر به ارائه طرحی نو در حوزه دانش و اندیشه‌های مربوط به معیارهای پیشرفت جوامع خواهیم رسید.

شمار زیادی از مفسران، میراث‌بری زمین از سوی صالحان را به تشکیل حکومت و تسلط آنان بر زمین تفسیر کرده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ۲۷۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ج ۱۷، ۱۱۸). حکومت بر روی زمین پاداشی است که خداوند در این دنیا به مؤمنان صالح وعده داده است. بیان این وعده الهی با تعبیر «لقد کتبنا» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نشان حتمیت و تخلف‌ناپذیری آن - که برخاسته از مشیت و اراده خداوند است - دارد (سبزواری، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۳۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۴، ۳۳۱).

ویژگی‌هایی که خدای سبحان برای این جامعه ویژه برمی‌شمارد، به واقع شاخص‌هایی هستند که پیشرفت جوامع را با آن مؤلفه‌ها می‌توان به راستی سنجید و پوچ و تهی بودن دیدگاه‌های نظریه‌پردازان - و به تعبیر دقیق‌تر نظریه‌سازان - غربی که افول ایدئولوژی‌های رقیب را دلیل برتری و فراگیری لیبرال دموکراسی و اوج تمدن و توسعه می‌دانند به تماشا نشست. افول اندیشه‌ها و مکتب‌های رقیب سیطره لیبرال دموکراسی را سبب شده و باور به اوج

تمدن در سایه آن را تقویت نموده است. از این رو طرح دیدگاه قرآن در چنین فضایی دمیدن روح امید در کالبد جامعه خسته از مکتب‌هایی است که با تأمین هدف غایی خلقت انسان ناسازگار است. جامعه بریده از وحی و انسان مدار در پایان به بن بست خواهد رسید؛ اما جامعه‌ای که با مبدأ هستی پیوند خورده و ارزش‌های حاکم بر آن ارزش‌های الهی و آسمانی بود به سوی رشد و تعالی خواهد رفت. در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی مناسب به این پرسش اساسی هستیم که چه معیاری برای سنجش پیشرفت واقعی جامعه وجود دارد. آیا این معیارها را می‌توان در ویژگی‌هایی که خدای سبحان برای جامعه موعود صالحان برشمرده است یافت؟ از آن جا که این ویژگی‌ها دیرینه‌ای به درازای تاریخ بشریت دارند از ثبات و تغییرناپذیری این ویژگی‌ها حکایت دارد. در ادامه به تبیین ویژگی‌های جامعه موعود می‌پردازیم.

### حاکمیت دینی

حاکمیت نشان‌گر قدرت تصمیم‌گیری، وضع قوانین و اجرای تصمیمات از سوی حکومت در یک کشور است. از محورهای مهم تمایز اندیشه سیاسی اسلامی و سکولار، مقوله حاکمیت است. در حکومت‌های غیرالهی، منشأ قدرت و حاکمیت انسان است که در چارچوب حکومت فردی یا حکومت‌های گروهی یا عامه مردم (اکثریت) تبلور می‌یابد. در اسلام، حاکمیت نشأت گرفته از خداوند است. حق حاکمیت تنها به خداوند اختصاص دارد: «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» (انعام: ۵۷؛ یوسف: ۴۰).

حکومت اسلامی سازوکار اجرایی تحقق حاکمیت الهی است که در آن دین مرجعیت دارد؛ بدان معنا که قانون آن برگرفته از اسلام و کارگزار آن نیز بر اساس اسلام شناسایی می‌شود و در مقام اجرا نیز اسلام مبنا قرار می‌گیرد. در مقابل، حکومت غیر دینی مبنای هویتش خواسته‌های بشری است.

در پایان تاریخ جامعه صالحان از زمامداری حاکمان دینی برخوردار بوده و دین اسلام، دینی فراگیر در آن جامعه خواهد بود که رهبران در اجرای کامل دین مصمم خواهند بود. به گواه «الناس علی دین ملوکهم» (مازندرانی، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۵۶۳؛ ابن حجر، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۴)؛ مردم بر آیین زمامداران شان سلوک می‌کنند و «الناس بامرائهم اشیه من آبائهم» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۴۶)؛ مردم بیش از پدران، به حاکمان خود شباهت دارند؛ اهمیت مدل

و نوع حکومت بر کسی پوشیده نیست. تفاوت حکومت‌ها در نوع قانون‌گذاری، شکل اجرا و پشتوانه و ضمانت اجرایی نمود و بروز پیدا می‌کند. حکومت‌های استبدادی، از قانون خاصی پیروی نمی‌کنند و اراده فردی پادشاه و سلطان بر کلیه ارکان حکومت سایه افکنده، جز آن، قانون معنا و مفهومی ندارد. در حکومت‌های دموکراتیک با اندک تفاوتی قانون، نه پرتو اراده و شعاع شخصیت پادشاه که برخاسته از اراده جمعی انسان‌هاست. مقصود ما از تفاوت اندک تغییر اراده انسانی از فرد خاص به جمع خاص است؛ روشن است در حکومت‌های دموکراتیک نیز منافع گروهی از افراد جامعه یا جهان از اولویت برخوردار است که سیاست‌مداران غربی بارها به آن تصریح کرده‌اند. هجوم امریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش به افغانستان و عراق و سایر کشورها و حمایت‌های یک‌جانبه از حکومت‌های دیکتاتوری در جهان عرب و سایر نقاط دنیا، تنها نمونه‌ای از صدها گواه بر این ادعاست. شاید مراد قرآن از جاهلیت دوم (نک: احزاب: ۳۳) همین باشد که باز قوانین جاهلی بر جوامع انسانی حاکم شده؛ اما این بار به شکلی مدرن و در قالب واژگانی فریبنده خودنمایی کرده است. اما در حکومت‌های الهی، قانون برخاسته از اراده الهی بوده و حق تشریح و قانون‌گذاری تنها اختصاص به خدای سبحان دارد؛ «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضُّ الْحَقُّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (انعام: ۵۷؛ همچنین نک: انعام: ۶۲؛ یوسف: ۴۰، ۶۷).

احاطه علمی قانون‌گذار به زوایای وجودی، ابعاد شخصیتی و نیازهای اساسی انسان تأثیر شگرفی در چگونگی قانون‌گذاری و نحوه اجرای آن خواهد داشت. خداوند به‌عنوان آفریننده بشر، بیش از هر کسی حتی خود انسان به وی احاطه دارد. این حقیقت در آیاتی از قرآن انعکاس یافته است (ق: ۱۶؛ ملک: ۱۴). و آیاتی از این دست که به اسرار آفرینش و حکمت‌ها و لطایف آن و علم و قدرت الهی بر هر چیزی اشاره دارد.

از سوی دیگر، آموزه‌های وحیانی بر اجرای احکام الهی به دست فردی الهی تأکید دارند. اختلاف اساسی دیدگاه شیعه با اهل سنت نیز در همین نکته نهفته است. اهل سنت بر ولایت فقه بسنده کرده ولی شیعه بر ولایت فقه و فقیه تأکید دارد. اعطای خلافت الهی به داود و سلیمان به همین حقیقت اشاره دارد (نک: مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۱، ۳۴۶-۳۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۷، ۱۹۴-۱۹۵).

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ مِمَّا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾. (ص: ۲۶)

چنان که مراجعه به طاغوت را در حل دعاوی باطل می‌داند و بر ضرورت مراجعه به پیامبر ﷺ تأکید دارد:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾. (نساء: ۶۰)

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. (نساء: ۶۵)

همچنین در آیاتی بر نفی حکومت استبدادی و رعایت دستورات الهی از سوی حاکمان اشاره دارد:

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ \* وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَوْلِيَاءَ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران: ۷۹-۸۰)

از سوی دیگر علاوه بر تعیین احکام جزایی و مجازات مجرمان از سوی حاکمیت، با تربیت صحیح انسان‌ها، ضمانت اجرایی احکام الهی را در درون انسان‌ها نهادینه می‌کند. ﴿لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي﴾ (علق: ۱۴) و آیاتی مشابه که احساس حضور خداوند در همه حال و آگاهی خداوند از آشکار و نهان انسان‌ها را کانون توجه و تمرکز خود قرار داده است (برای تفصیل بیشتر، نک: بهشتی، بی‌تا).

مبنای حاکمیت دینی بر محور عدالت است. گسترش عدالت، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت است؛ زیرا وجود حاکمیت دینی در جامعه باعث ضعف جور، ظلم و استبداد می‌شود و به برکت آن، عمیق‌ترین و مطمئن‌ترین رابطه احترام و اعتماد متقابل بین دولت و ملت در جامعه بوجود می‌آید. روشن است فضای همدلی و صمیمیت مناسب‌ترین بستر رشد و تعالی را فراهم می‌آورد. افزون بر این حاکمیت دینی با فطرت انسان‌ها هماهنگ بوده و با پذیرش عمومی که لازمه توسعه است روبه‌روست.

## توحید و یکتاپرستی در جامعه

بر پایه فلسفه تاریخ الهی، جریان‌های تاریخی در سیر تکاملی خویش به سوی توحید و یکتاپرستی در حرکتند. این نگاه به حوادث تاریخی معتقد به توسعه معنویت، عدالت‌خواهی و گسترش و بسط توحید در جهان است؛ معتقد به جریان الهی رشد معنویت‌خواهی، رشد

حقیقت‌خواهی، گرایش به پرستش خدای متعال و تبعیت از اسلام و اولیای اسلام، در مقیاس جهانی است. جامعه موعود در پایان تاریخ محصول طبیعی این سیر تکاملی خواهد بود. بی‌شک تثبیت یکتاپرستی در جامعه بشری از طریق بالابردن خرده‌ها و بینش‌ها صورت می‌گیرد. انسانی که گوهر خود را نشناخته، در برابر سنگ و گل خضوع می‌کند، ولی انسان‌های والا و خردمند که سرچشمه هستی را به دست آورده‌اند، خالق این اجسام را سپاس می‌گویند. از این رو جامعه توحیدی، جامعه‌ای رشد یافته است که شهروندان آن به سبب رشد عقلانی از کرنش در برابر طاغوت ابا داشته و در مقابل آفریننده جهان سر تعظیم فرود می‌آورند. گسترش توحید و یکتاپرستی در جامعه کارکردهای فراوانی دارد از آن جمله سبب توسعه عدالت اجتماعی، وحدت، همدلی و یک‌پارچگی شده و زدوده شدن مظاهر فسق و فساد و شرک از دستاوردهای مهم چنین اعتقادی است. این مهم را می‌توان از آیات ذیل به دست آورد:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَأَ نِكَةً وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...﴾. (آل عمران: ۱۸)

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید: ۲۵؛ نیز نک: اعراف: ۲۹؛ مائده: ۸، ۳۵؛ یونس: ۴۷؛ نور: ۶۲؛ فتح: ۲۹)

مهم‌ترین کارکرد اجتماعی توحید و یکتاپرستی، ایجاد جامعه سالم و عدالت پیشه است. جامعه که بر عنصر یگانگی خدا بنا نهاده شود، به این بینش و نگرش دست می‌یابد که خداوند همه را به یکسان و از خلقتی واحد آفریده است. بنابراین هر گونه اختلاف از نظر نژادی و یا برتری‌های دیگری از این دست در اندیشه و بینش توحیدی مردود شمرده می‌شود و نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به جامعه و افراد انسانی، نگرشی مثبت و سازنده خواهد بود. این گونه است که اصل عدالت و دادگری در جوامع توحیدی ریشه می‌دواند و در همه حوزه‌ها خود را نشان می‌دهد.

رعایت عدالت در همه حوزه‌ها به ویژه اقتصادی از آثار و کارکردهای اجتماعی توحید و بینش و نگرش توحیدی است که قرآن در آیه ۸۵ سوره اعراف بدان اشاره می‌کند و از زبان حضرت شعیب علیه السلام تبیین می‌کند که چگونه توحید و عبادت خدای یگانه می‌تواند در امور اقتصادی و مدیریت آن عدالت را برپا داشته و تقویت نماید، به گونه‌ای که افراد و اشخاص جامعه توحیدی همواره روابط اقتصادی خویش را بر پایه معیارها و موازین پذیرفته شده

عقلانی و عرفی و شرعی سامان می دهند و از تجاوز و تعدی به حقوق مالی پرهیز می کنند و راه قسط و عدالت را می پیمایند. این اصل آن چنان در حوزه اقتصادی کارکرد عدالت‌گرایانه دارد که قرآن در موارد چندی به توحید برای تقویت و تحکیم روابط سالم اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد و بر اصول توحیدی برای رسیدن به این هدف اجتماعی پا می‌فشارد. به این معنا که یکی از مهم‌ترین سازوکارهای قرآنی برای ایجاد و اجرای عدالت جمعی اجتماعی در همه حوزه‌ها به ویژه اقتصادی آن تقویت توحید و تأکید بر آن است (نک: هود: ۸۴).

از دیگر آثار و کارکردهای اجتماعی توحید می‌توان به ایجاد انگیزه جمعی در اعمال خیر و استباق و شتاب‌گیری در اعمال و کارهای خیر و نیکو اشاره کرد. قرآن بیان می‌دارد که انسان توحیدمحور و توحیدگرا انسانی است که در کارهای خیر شتاب می‌گیرد و در خدمت جامعه و افراد آن تلاش می‌کند. کار خیر و سبقت به این معناست که جامعه به یک حالت روحی و روانی رسیده است که انجام کارهای خیر و عام‌المنفعه و شتاب در آن برای افراد آن یک هدف شمرده می‌شود. جامعه نه تنها به کار خیر و انجام آن عادت کرده است و کار نیک به عنوان یک عادت اجتماعی و هنجار اجتماعی در آمده است، بلکه تلاش برای شتاب و سبقت گرفتن در میان آنان نیز به یک امر عادی و هنجاری تبدیل شده است (مؤمنون: ۵۹ - ۶۱). از دیگر کارکردهای اجتماعی توحید می‌توان به اصلاح امور جوامع و مبارزه با فساد اشاره کرد. جوامع توحیدمدار، به جهت بینش و نگرش توحیدی در همه اعمال و حوزه‌ها می‌کوشند تا اصلاح امور را سرمشق خویش قرار دهند. قرآن در آیه ۸۵ سوره اعراف به این مسئله اشاره می‌کند و از زبان شعیب عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌کند که چگونه تفکر شرک‌آلود جوامع را به بحران بی‌عدالتی سوق می‌دهد و فساد و تباهی در امور اجتماعی و اقتصادی را سبب می‌شود.

آن حضرت برای اصلاح رفتار و اعمال فاسد اجتماعی ایشان می‌کوشد تا نخست بینش و نگرش ایشان را اصلاح کند تا به دنبال آن به طور طبیعی اعمال و رفتار اجتماعی ایشان اصلاح گردد. در آیه ۸۴ و ۸۸ سوره هود این مسئله به خوبی تبیین و تحلیل می‌شود (منصوری، بی‌تا).

گسترش معنویت و یکتاپرستی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که صالحان پس از قدرت یافتن، خود را سخت به آن پای بند می‌دانند:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾. (حج: ۴۱)

تمکن در زمین به معنای حکومت و تسلط در زمین تفسیر شده است (طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۷، ۱۴۰: مغنیه، ۱۹۸۱: ج ۵، ۳۳۵) که دوستان خداوند با دست یافتن به حکومت، ارتباط با خداوند (اقامه نماز) و رسیدگی به محرومان جامعه (پرداخت زکات) و ترویج نیکی‌ها و زدودن زشتی‌ها را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار می‌دهند.

چنان‌که از آیات پیشین به دست آمد، صالحان وارث سرزمین کفار شده و به رغم خواست مشرکان و کافران، نور خدا (دین توحیدی اسلام) در سراسر زمین بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد و خدای سبحان با استقرار و تثبیت دین توحیدی، مؤمنان شایسته‌کردار را به رهبری مصلح کل از همه امکانات برخوردار خواهد کرد.

آن‌چه اشاره شد تنها نمونه‌ای از آثار خداپرستی در جامعه است؛ برای تفصیل بیشتر می‌توان به پژوهش‌های مستقل در این زمینه مراجعه کرد.

### جامعه‌ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق

خدای سبحان در آیه ۵۵ سوره نور تشکیل جامعه‌ای ویژه و منحصر به فرد را به مؤمنان نیکوکار وعده داده است. برخی مفسران در تفسیر آیه شریفه آورده‌اند:

فَالْآيَةُ عَلَىٰ هَذَا وَعَدَّ جَمِيلٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ سَيَجْعَلُ لَهُمْ مَجْتَمَعًا صَالِحًا يَخْصُهُمْ فَيَسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَيُمْكِنُ لَهُمْ دِينَهُمْ وَيُبَدِّلُهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا لَا يَخَافُونَ كَيْدَ مَنَافِقٍ وَلَا صَدَّ كَافِرٍ يَعْبدُونَهُ لَا يَشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۵، ۱۵۲)

ایشان با اشاره به محل نزول آیه (مدینه) گفته‌اند: بر همین اساس، خداوند به مؤمنان نیکوکار وعده داده است؛ جامعه شایسته‌ای برای آنان فراهم خواهد آورد که ویژه آنان باشد. خداوند آنان را به خلافت در زمین رسانده، دین‌شان را تثبیت و ترس‌شان را به امنیت تبدیل خواهد کرد و توطئه کافران و منافقان را از آنان دور خواهد کرد. و جامعه‌ای توحیدی و عاری و مبرا از شرک خواهد بود.

در ادامه پس از توصیف مقصود آیه و فقرات آن نتیجه می‌گیرند:

وَالْمُتَحَصِّلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَعِدُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ سَيَجْعَلُ لَهُمْ مَجْتَمَعًا صَالِحًا خَالِصًا مِنْ وَصْمَةِ الْكُفْرِ وَالنِّفَاقِ وَالْفِسْقِ يَرِثُ الْأَرْضَ لَا يَحْكُمُ فِي عَقَائِدِ أَفْرَادِهِ عَامَةً وَلَا أَعْمَالِهِمْ إِلَّا الدِّينَ الْحَقَّ يَعْيشُونَ أَمْنِينَ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ مِنْ عَدُوِّ دَاخِلٍ أَوْ خَارِجٍ، أَحْرَارًا مِنْ كَيْدِ الْكَائِدِينَ وَظَلَمِ الظَّالِمِينَ وَتَحْكُمُ



جامعه‌ای که خداوند به مؤمنان نیکوکار بشارت می‌دهد؛ جامعه‌ای پیراسته از نشانه‌های کفر، نفاق و فسق بوده، آنان وارث زمین خواهند بود. در این جامعه، آموزه‌های دین بر اندیشه و رفتار ساکنان حاکم بوده، افراد در امنیت کامل و بدون هراس و وا همه از دشمنان داخلی و خارجی یا توطئه خائنان و ظلم ظالمان و زورگویی زورمداران به سر خواهند برد.

پاک‌سازی جامعه از آلودگی‌های شرک و تلاش در جهت بندگی خداوند در واقع توجه به تأمین نیازهای اساسی انسان از آن جمله نیازهای روانی اوست. آرامش از اساسی‌ترین نیازهای روانی انسان است؛ و جستن آن جز در یاد الهی کوششی بیهوده و بی‌حاصل است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾. (رعد: ۲۸)

بندگی خداوند و پیراستگی از شرک، بارزترین ویژگی جامعه صالحان است. خداوند در تشبیهی نتیجه شرک را این گونه به تصویر می‌کشد:

﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾؛ (حج: ۳۱)

هرکس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است.

همچنین در قرآن، شرک با وصف ظلم عظیم توصیف شده است:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾. (لقمان: ۱۳)

روشن است در جامعه آلوده به شرک، اجرای عدالت و تساوی حقوق انتظاری بیهوده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۸، ۱۹۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ۱۴۲-۱۴۳). از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی نتیجه محتوم نفاق است:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَّيْنَ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ \* لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ \* لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي فُرَىٍّ مُحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾. (حشر: ۱۱-۱۴)

از اساسی‌ترین نیازهای روانی انسان نیاز به امنیت و آرامش است؛ چنان‌که روان‌شناسان نیز بر این نکته تأکید فراوان دارند. امنیت در تعریف سلبی، فراغت از تهدید است و در تعریف ایجابی، احساس ایمنی در عمل به ارزش‌های مورد علاقه و نیز در معرض تهدید نبودن آن‌ها. هدف اصلی تشکیل دولت در جوامع انسانی، تأمین امنیت در معنای گسترده آن بوده است. از این رو، امنیت هم وظیفه دولت‌ها و هم حق ملت بر گردن دولت است. امنیت مطلوب آن است که ایمنی همه جانبه را به مردم و همه جامعه عرضه بدارد. در این فرایند، چنان‌چه حکومت‌ها نیز مردمی باشند و منافعشان در راستای منافع و خواسته‌های مردم باشد، از نعمت امنیت برخوردار خواهند بود. در حکومت مردم سالار واقعی، بین مصالح و مطلوبیت‌های مردم و حکومت، فاصله و تباین و تضادهایی وجود نداشته، بلکه هم‌راستا است.

از سوی دیگر اهمیت تأمین امنیت اجتماعی در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. امروزه وجود امنیت اجتماعی سبب گسیل شدن سرمایه‌های داخلی و خارجی شده، رونق اقتصادی و رفاه عمومی را در پی خواهد داشت. و نیز انجام مناسک عبادی، فراهم‌آوری امکان تحصیل و کسب دانش برای آحاد جامعه، دفاع از حقوق شهروندی خویش و مقابله با مظاهر فسق و فساد و صدها مورد دیگر از نتایج امنیت و آرامش در جامعه است. به سخن کوتاه، امنیت یک نیاز اولیه همگانی و گسترده بوده و در یک جامعه در حال توسعه، پیش‌نیاز توسعه همه‌جانبه است؛ از این رو امنیت، مطلوب مردم و حکومت است. امنیت پایدار در سایه مشارکت همگانی میسور بوده و این امر با احساس مسئولیت آحاد جامعه در برابر سرنوشت یکدیگر جامعه عمل خواهد پوشید. روشن است در جامعه‌ای که کفر و نفاق بر ارکان آن سلطه یافته است؛ نمی‌توان همبستگی تا مرز احساس مسئولیت را توقع داشت. مؤمنان در جامعه موعود صالحان به دلیل برخوردارگی از اعتقاد عمیق به ارزش‌های الهی، مطابق ارزش‌ها، هنجارها و قوانین و مقررات حاکم بر جامعه عمل کرده و قانون‌پذیر و ضابطه‌مند هستند، هم از این رو در حال تولید امنیت بوده و از ناامنی جامعه می‌کاهند. کنترل رسمی، اصطکاک دولت و حکومت با زندگی روزمره مردم را افزایش می‌دهد و به طور طبیعی به روابط دولت - ملت ضربه‌های بنیادی می‌زند و اعتماد مردم به حاکمیت را کاهش داده، مشارکت مردمی را به حداقل ممکن می‌رساند.

در چنین جامعه‌ای به دلیل درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها، عامل بازدارنده درونی در هر فرد، قادر است با قوت و قدرت، در خلوت و آشکار او را از تخلف و هنجار باز دارد. معادل این

مفهوم در فرهنگ دینی ما واژه تقواست. همچنین در این جامعه، آحاد جامعه در صورت مشاهده هر گونه تخلف و تعرض به حریم ارزش‌ها و قانون‌گریزی، با احساس اجتماعی و روحیه تعاملی و نیز به قصد دخالت در سرنوشت مشترک خود و جامعه، از جمله آن فرد هنجار شکن به مقابله برخاسته و به شیوه‌های منطقی و مناسب، با فساد، تباهی و آلودگی در جامعه مقابله می‌کنند. معادل این شیوه کنترل غیررسمی در فرهنگ دینی ما، امر به معروف و نهی از منکر است که از فروع دین اسلام است.

بر این اساس جامعه نمونه، جامعه‌ای است که حاکمیت دینی فردی الهی را پذیرفته و توحید و یکتاپرستی به همراه امنیت شهروندان در آن حاکم باشد. نباید فراموش کرد برابر آن چه از آموزه‌های وحیانی به دست می‌آید، این مهم جز در پرتو حاکمیت فردی الهی - که منصوب از سوی خدای سبحان باشد - میسر نیست.

### برآوردن همه نیازهای انسان

برتری جوامع را باید در نوع برنامه‌ها و نگاه جامع آن‌ها به تأمین نیازهای اساسی انسان جست‌وجو کرد. عمده‌ترین اشکال نظریه‌های معاصر در همین نکته نهفته است که با نگاه تک‌بعدی به انسان، نیازهای وی را در تمنیات مادی محدود کرده با تجربه دستاوردهای مادی و حسی از پایان تاریخ و رسیدن به اوج پیشرفت سخن می‌گویند. آنان برتری تکنولوژی و قدرت نظامی را که حاصل مدرنیته است معیار برتری و سلطه یافتن لیبرال دموکراسی در پایان تاریخ دانسته‌اند.

اما جامعه صالحان جامعه‌ای عاری و پیراسته از شرک و نفاق در بعد معنوی و سرشار از برکات مادی و نعمت‌های طبیعی در بعد مادی خواهد بود. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

و مراد از وراثت زمین این است که تسلط بر منافع زمین، از دیگران به صالحان منتقل می‌شود و استقرار برکات زندگی به سبب این وراثت در میان آنان محقق می‌شود. این برکات، در دنیا به معنای استفاده شایسته از نعمت‌ها و زینت‌های آن و در آخرت رسیدن به مقامات قرب الهی است که البته آن هم از برکات جامعه شایسته در همین دنیا است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۴، ۲۳۰)

مفهوم آیه شریفه این است که « به زودی زمین از آلودگی شرک و گناه پاک شده جامعه بشری صالح که به بندگی خدا گردن نهاده و به وی شرک نوزند در آن ساکن می‌شوند.

چنان‌که آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵) از آن خبر می‌دهد.

با این بیان روشن شد که آیه مورد بحث اختصاص به یکی از دو وراثت دنیایی و آخرتی ندارد و هر دو را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۴، ۳۲۹-۳۳۰؛ طنطاوی، ۱۴۱۲: ج ۹، ۲۵۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ج ۱۷، ۱۳۹).

نباید از نظر دورداشت شکوفایی استعدادهای آدمی دستاورد تأمین صحیح عموم نیازهای اساسی اوست؛ چنان‌که یافته‌های روان‌شناسی نیز بر این نکته تأکید دارد (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۶۰)؛ تأمین این نیازها در پرتو عدالت برای همگان میسر خواهد شد؛ و این مهم از وجوه تمایز حکومت صالحان از قدرت‌های طاغوتی است.

### شایستگی زمامداران

از دیگر ویژگی‌های جامعه صالحان، زمامداران و کارگزاران آن جامعه است. آیه شریفه ۱۰۵ سوره انبیاء بدون اشاره به نوع حکومت در پایان تاریخ ویژگی زمامداران آن را کانون توجه خود قرار داده است. صلاح و شایستگی تنها ویژگی مورد اشاره در این آیه شریفه است که مقصود از آن شایستگی در همه حوزه‌های شناختی و رفتاری است (صادقی، ۱۳۶۵: ج ۱۹، ۳۷۶-۳۷۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ج ۱۳، ۵۱۷-۵۱۸). زمامداران و کارگزاران شایسته، راهبردها و برنامه‌های جامعه را به شایستگی مدیریت کرده و آن را به سوی سعادت و خوشبختی رهبری می‌کنند. این برنامه‌ها برخاسته از اندیشه‌های پاک و رهیده از وابستگی‌های نفسانی و مادی است. از سوی دیگر رفتارهای رهبران خودساخته در این جامعه، پیراسته از تعارض و تناقض بوده و پیش از دیگران، خود عامل به برنامه‌های خویش هستند؛ چنان‌که از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است:

والله ما أمرتكم بطاعة إلا وقد ائتمرت بها ولا نهيتكم عن معصية إلا وقد انتهيت

عنها؛ (قمی مشهدی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۱۹۴)

قسم به پروردگار، شما را به طاعتی فرا نخواندم جز این که خودم به آن عمل کردم و از گناهی شما را باز نداشتم مگر خودم از آن دوری جستم.

مثل معروف «الناس علی دین ملوکهم» (مازندرانی، ۱۴۲۱: ج ۱۲، ۵۶۴) نیز گویای این حقیقت است؛ چنان‌که در آیه ۵۵ سوره نور نیز بر ایمان و کردار شایسته آنان اشاره کرده است.

برابر آیه ۵ سوره قصص پس از گذراندن دوره استضعاف در زمین، به پیشوایی و زمامداری جهانیان برگزیده خواهند شد. شاید این ویژگی (استضعاف و چشیدن سختی‌ها) بر اهتمام آنان در اجرای عدالت و قوانین الهی افزوده و آنان را شایسته پیشوایی و زمامداری کرده است.

### نتیجه‌گیری

برابر آموزه‌های وحیانی، آینده در قلمرو حکومت مؤمنان صالح خواهد بود. تعبیراتی چون «یرثها»، «لقد کتبنا» و «ان فی هذا لبلاغا» در آیات قرآن نشان از حتمیت این وعده الهی دارد. حاکمیت دینی، امنیت و آرامش کامل، یکتاپرستی و دوری از شرک و نفاق، شایستگی زمامداران، جامعه‌ای ویژه و عاری از شرک و نفاق از جمله ویژگی‌های جامعه صالحان در پایان تاریخ است که در آیات قرآن بیان شده است. ویژگی‌های شمارش شده را می‌توان میزان سنجش پیشرفت جوامع قرار داد و به تناسب آن بر توسعه جامعه‌ای حکم کرد؛ زیرا جامعه موعود الگویی از جامعه پیشرفت یافته است که اوج تمدن و توسعه را به ارمغان خواهد آورد. و این به مفهوم محدود بودن آن جامعه به پایان تاریخ نبوده و الگوگیری از آن، در همه زمان‌ها و مکان‌ها امکان‌پذیر است. کارکردهای اجتماعی توحید از اساسی‌ترین شاخصه‌های توسعه است که در صورت نهادینه شدن در جامعه بی‌تردید آن جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق خواهد داد.

نقش زمامداران و مدیران در پیشرفت جوامع را نباید از یاد برد. شایستگی زمامداران و مدیران در همه حوزه‌های شناختی و رفتاری، جامعه را به سوی الگوهای پیشرفت سوق خواهد داد و در چنین فضایی با حاکمیت دین، که در نزد پروردگار همان اسلام است، موانع رشد و پیشرفت مسیر زوال را پیموده و زمینه توسعه فراهم خواهد آمد.

یادآور می‌شویم در جای خود ثابت شده است که نمونه‌هایی از جامعه صالحان در امت‌های پیشین (بنی اسرائیل) تحقق یافته است که الگویی از جامعه موعود صالحان در پایان تاریخ است تا تصور تئوری بودن دکترین «جامعه موعود» قرآن نفی شده و امکان وقوعی آن ثابت شود؛ حکومت فراگیر داود علیه السلام نمونه‌ای از این حکومت‌هاست. بر این اساس کوشش در همسان‌سازی جامعه با معیارهای جامعه موعود در مسیر توسعه و پیشرفت بسی ضروری است و جست‌وجوی الگوی پیشرفت جز در این مسیر تلاشی بیهوده خواهد بود؛ زیرا تأمین عموم نیازهای انسان تنها در سایه معیارهای جامعه موعود دست‌یافتنی است.

## منابع

- ابن حجر، شهاب‌الدین احمد (بی‌تا)، *فتح الباری*، بیروت، دارالمعرفه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، مؤسسه تاریخ.
- بهشتی، احمد (بی‌تا)، *حکومت در قرآن*، قم، دفتر نشر پیام.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳ ش)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۱۹ ق)، *ارشاد الافهام*، بیروت، دارالتعارف.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲ ش)، *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، آوای نور.
- صادقی، محمد (۱۳۶۵ ش)، *الفرقان*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ ق)، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
- طنطاوی، سید محمد (۱۴۱۲ ق)، *التفسیر الوسیط*، قاهره، دارالمعارف.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۴۱۱ ق)، *کنز الدقائق*، به کوشش: درگاهی، تهران، وزارت ارشاد.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۴۲۱ ق)، *شرح اصول کافی*، به کوشش: سید علی عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دارمحبی الحسین علیه السلام.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۸۱ م)، *التفسیر الکاشف*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۵ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منصور، خلیل (بی‌تا)، «کارکردهای اجتماعی توحید»، *دانش‌نامه موضوعی قرآن*، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴ ش)، *نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه: مجتبی، امیری، تهران، وزارت امور خارجه.